

## شهادت سردار سلیمانی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

محمد شجاعیان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

**چکیده:** ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس توسط ایالات متحده امریکا، تأثیرات بسیار برجسته ای در عرصه داخلی، منطقه ای و بین المللی برای جمهوری اسلامی، جبهه مقاومت اسلامی و جهان اسلام داشته است. پژوهش حاضر، به بررسی تأثیرات شهادت فرمانده سپاه قدس در گسترش و ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می پردازد. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که «شهادت سردار سلیمانی چه تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» برای پاسخ به این پرسش، سه عرصه سیاست داخلی، عرصه اجتماعی و عرصه سیاست خارجی، به عنوان عرصه های مهم قدرت نرم، بررسی شد. آنچه از بررسی این تأثیرات بدست می آید آن است که شهادت سردار سلیمانی موجب اثبات و ارتقاء مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی و گسترش ارزشهای سیاسی مورد نظر آن شد. به این دلیل که نشان داد میان ارزشهای مورد تاکید نظام اسلامی و آنچه برای جامعه ایران مقبول است، انسجام و هماهنگی بالایی وجود دارد. در عرصه اجتماعی، شهادت سردار سلیمانی موجب شد «انسجام اجتماعی» و «سرمایه اجتماعی» که از عناصر اجتماعی قدرت نرم محسوب می شوند تقویت شوند. و شرایط برای تبدیل شدن سردار سلیمانی به قهرمان ملی ایرانیان فراهم شود. در حالیکه تا پیش از شهادت، ایشان برای ایرانیان کمتر شناخته شده بود. در عرصه سیاست خارجی، همبستگی ملت های منطقه غرب آسیا بویژه نیروهای فعال در محور مقاومت اسلامی، در نتیجه شهادت سردار سلیمانی افزایش یافت. بویژه شهادت همزمان سرداران مقاومت اسلامی در ایران و عراق موجب همبستگی بیشتر دو ملت شد. افزایش وحدت در گفتمان مقاومت اسلامی بر مبنای اهداف و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و با توجه به حمایت افکار عمومی جهان اسلام و پذیرش رضایت محور این اصول به شیوه ای نرم تحقق یافت. این امر به نوبه خود نشان دهنده مقبولیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی و پذیرش مرجعیت اخلاقی اهداف آن، شامل مبارزه با رژیم اسرائیل، مخالفت با حضور نظامی نیروهای خارجی و مبارزه علیه گروههای تکفیری - تروریستی بود. در این میان شهادت سردار سلیمانی نقطه عطفی در نمایش و ارتقاء این موضوع بود و توانست گفتمان مقاومت اسلامی را از مرحله تثبیت به مرحله گسترش و بسط قدرت وارد کند.

**واژگان اصلی:** قدرت نرم، مشروعیت سیاسی، انسجام اجتماعی، سیاست خارجی، قاسم سلیمانی.

ترور فرمانده سپاه قدس، شهید سردار سلیمانی واقعه ای بسیار مهم و دارای تاثیرات منطقه ای و بین المللی بود که به شکل رسمی توسط دولت ایالات متحده امریکا صورت گرفت. شیوه ترور و به شهادت سردار سلیمانی به گونه ای بود که پرستیژ آمریکاییها را خدشه دار کرد چرا که نتوانستند در میدان جنگ با او مواجه شدند، بلکه به گفته رهبر معظم انقلاب، به صورت «دزدانه و بزدلانه» ایشان را ترور کردند. (رهبر معظم انقلاب: ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۹۸) این اقدام که مصداق آشکار تروریسم دولتی بود، موجب شد یکی از تربیت یافتگان برجسته مکتب امام خمینی (ره) از انقلاب اسلامی و نظام اسلامی جدا شود. با این وجود، تاثیرات برجسته ای در عرصه داخلی، منطقه ای و بین المللی برای جمهوری اسلامی، جبهه مقاومت اسلامی و جهان اسلام داشته و از جنبه های مختلفی قابل بررسی است. همانگونه که تحلیل خطبه های نماز جمعه مقام معظم رهبری بعد از شهادت و تشییع سردار سلیمانی نشان می دهد، مهمترین موضوعی که باید در دستور کار قرار گیرد مقاومت در برابر دشمن و قوی تر شدن در مقابل استکبار جهانی است. (ذاکر، ۱۳۹۹: ص ۲۰۴) در واقع سردار سلیمانی همانگونه که خودش، نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی بود، شهادت ایشان هم نقطه عطفی در شکل دهی به هویت اسلامی و دفاع از مظلومان در مقابل مستکبران بود (نوروزی و مرندی، ۱۳۹۸: ۷۳) نوشتار حاضر، به بررسی تاثیرات شهادت فرمانده سپاه قدس در گسترش و ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می پردازد. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که «شهادت سردار سلیمانی چه تاثیراتی را بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» به منظور پاسخگویی به این پرسش ابتدا باید موضوع قدرت نرم و مولفه های اصلی آن به عنوان چهارچوب نظری بررسی شود، سپس مولفه های قدرت آفرین شهادت سردار سلیمانی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و همچنین عرصه سیاست خارجی مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۱) چهارچوب نظری: مفهوم قدرت نرم و مولفه های آن

قدرت یکی از ویژگی های پایدار اجتماعات بشری است. به این معنا که هر جا مجموعه ای از انسانها در کنار یکدیگر و به صورت جمعی زندگی کنند، وجود فرد یا

مجموعه ای از افراد که دستورات و اوامری را صادر کنند و ضرورت داشته باشد که افراد اجتماع از این مجموعه از قواعد و ضوابط الزام آور تبعیت کنند، ضروریست. بدون این امر، پایه های حیات اجتماعی استوار نخواهد ماند. این پدیده مورد تاکید متون دینی و اسلامی نیز قرار گرفته است. به عنوان نمونه امیر المومنین در نهج البلاغه در پاسخ به کسانی که منکر ضرورت وجود اقتدار در جامعه بودند تاکید می کند مردم ضرورتا نیازمند حاکم یا امیر هستند. ( نهج البلاغه خطبه ۴۰) با این وجود، قدرت موضوعی چالش برانگیز نیز هست. لذا صاحبان آن تلاش می کنند آن را تحت قواعد توجیه پذیر و موجهی قرار دهند و از این رهگذر رضایت و نظر مثبت تابعان قدرت را نسبت به قدرت خود و اعمال آن کسب کنند. بر این اساس، موجه سازی قدرت اقدامی است که صاحبان قدرت انجام می دهند تا رضایت کسانی که قدرت درباره آنها اعمال می شود را بدست آورند. (بیتهم، ۱۳۹۰: ص ۱۶) قدرت که خصلت جوامع مختلف محسوب می شود همچون بسیاری از مفاهیم بنیادین، تعریف واحدی ندارد. (نبوی، ۱۳۸۸) برخی قدرت را توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر تغییر در نظر می گیرند. برخی دیگر قدرت را توانایی دستیابی به خواسته ها تعریف کرده اند. (نای، ۱۳۹۲: ص ۲۶) بر این اساس دریک تعریف وسیع، قدرت یک شخص یعنی توانایی او برای ایجاد تغییرات دلخواه بر جهان اطراف خود به منظور تحقق بخشیدن و عملی کردن اهدافش در درون آن جهان. (بیتهم، ۱۳۹۰: ص ۶۳) اثرگذاری بر دیگران و رسیدن به نتایج دلخواه نتیجه اعمال قدرت خواهد بود. حال این اثر گذاری و تاثیر بر دیگر بازیگران، می تواند از دو طریق مشخص صورت گیرد: از طریق اجبار و تشویق ( به صورت تهدید کردن یا پاداش دادن) یا از طریق اقناع و راضی کردن. وقتی بحث اقناع و رضایت را در نظر بگیریم بحث قدرت نرم مطرح می شود. به عبارت دیگر نقطه عزیمت تحلیل قدرت نرم توجه به اقناع و راضی کردن دیگران برای اثر گذاری است.

توجه به قدرت نرم و بکارگیری آن به عنوان یکی از انواع قدرت، به یک معنا پدیده جدیدی محسوب نمی شود. در تاریخ جوامع مختلف، شواهد زیادی از بکارگیری مفهوم قدرت نرم در عرصه سیاست و اجتماع وجود دارد. استفاده از شیوه هایی مانند رجزخوانی، شعر و حلیه در جنگ و فریب دادن رقبا، به نوبه خود نشان دهنده پیشینه

طولانی تکیه بر قدرت نرم به منظور تاثیرگذاری بر اقدامات و رفتارهای بازیگران در عرصه های مختلف حیات اجتماعی بوده است. (قهرمانپور، ۱۳۹۳: ص ۱۸) با این وجود وسعت کاربرد این مفهوم در ادبیات سیاسی جدید بویژه از اوائل دهه هشتاد میلادی در قرن بیستم به بعد کم سابقه بوده است و موضوعی جدید محسوب می شود. برخی محققان حداقل یکی از علل توجه بیشتر به ایده قدرت نرم را وقوع انقلاب اسلامی در ایران می دانند. به این معنا که فرایند شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به گونه ای بود که بسیاری از نظریات درباره اهمیت قدرت در جنبه سخت آن یعنی قدرت اقتصادی را و نظامی را با چالش مواجه کرد و موجب شد قدرت نرم که نیروهای انقلابی در ایران از آن برخوردار بودند جایگاه برتری در مقایسه با قدرت سخت به لحاظ تاثیرگذاری را اکتساب کند. (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۴۳؛ نبوی، ۱۳۸۸) قدرت نرم در گذشته تاریخ نیز مطرح بود و بویژه با ظهور اسلام و غلبه آن بر امپراطوری های بزرگ ایران و روم، نقش برجسته ای یافت. اما در دوران مدرن با سلطه اندیشه های ماتریالیستی، از اوائل قرون جدید مورد غفلت قرار گرفت و یا اینکه صرفاً در پرتو قدرت مادی و سخت، معنا می یافت. (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۴۳) نظریات مدرن درباره قدرت که به باور برخی محققان از ماکیاوول و هابز شروع شده است و تا اواخر دهه هفتاد میلادی در قرن بیستم، تا حدودی نشان دهنده بی توجهی به جنبه های غیرمادی قدرت می باشد. (آرکلگ، ۱۳۷۹)

با این وجود، از دهه هشتاد میلادی در قرن بیستم، نظریات جدیدی درباره قدرت با محوریت قدرت نرم که در حقیقت تاکید بر جنبه های غیرمادی قدرت است مطرح شد. درباره اینکه ایده قدرت نرم در این مقطع زمانی، اولین بار توسط کدامیک از محققان مطرح شده است، اختلاف وجود دارد. برخی نویسندگان معتقدند، حمید مولانا از محققان ایرانی اولین نظریه پرداز قدرت نرم است. مولانا برای اولین بار در کتابی با عنوان «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین الملل» که در سال ۱۹۸۶ و تنها چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منتشر کرد به تعریف و تبیین قدرت نرم پرداخته است. مولانا از اصطلاح «قدرت ناملموس» در تعریف قدرت نرم استفاده می کند و منابع آن را شامل دین، ارزش ها و باورها، ایدئولوژی و دانش در نظر

می گیرد. او همچنین معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت و مشخص کننده ماهیت آن است. (محمدی، ۱۳۹۳: ۴۳) برخی دیگر از محققان، جوزف نای، نویسنده آمریکایی را اولین نظریه پرداز قدرت نرم در دوران معاصر می دانند. نای، قدرت نرم را جزئی از قدرت ملی ایلات متحده معرفی می کند و بکارگیری آن در سیاست خارجی را ضروری می داند. او دیدگاه خود درباره قدرت نرم را در مقاله ای با عنوان « ماهیت متحول قدرت جهان» در سال ۱۹۸۹ میلادی مطرح کرد. در نوشته های بعدی خود نیز، ایده قدرت نرم را بسط و گسترش داد. (قهرمانپور، ۱۳۹۳: ۱۷) به نظر می رسد باید دکتر مولانا را به علت تقدم زمانی، اولین نظریه پرداز قدرت نرم در دوران معاصر دانست. هر چند جوزف نای در مقالات و کتب بعدی خود، ایده قدرت نرم را مورد توجه جدی قرار داد و آن را توسعه بخشید. در نتیجه نمی توان منکر آن شد که نای مشهورترین نظریه پرداز قدرت نرم است.

در هر حال، آنچه مسلم است تمرکز قدرت نرم بر جنبه های غیرمادی قدرت است. بر این اساس، قدرت نرم، برآن دسته از قابلیت ها و توانایی هایی اطلاق می شود که با به کارگیری ابزارهایی مانند فرهنگ، آرمان ها یا ارزش های اخلاقی تلاش می کند به صورت غیرمستقیم بر رفتارها یا منافع دیگران اثرگذار باشد. (محمدی، ۱۳۹۳: ص ۴۴) به عبارت دیگر در گفتمان قدرت نرم، رسیدن به نتایج دلخواه با توجه به ابزارهایی متفاوت از ابزارهای قدرت سخت یعنی تهدید یا پاداش ملموس است. جوزف نای قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع تعریف می کند. بنابراین قدرت نرم بیش از وادارساختن یا توانایی به حرکت درآوردن مردم با استدلال، به معنای توانایی جذب مردم به نحوی است که منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها در برابر خواسته هایمان شود. (جوزف نای، ۱۳۸۹: ص ۲۴) نقطه تمرکز قدرت نرم، بر ذهنیت های مخاطبان است و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزشها بهره می گیرد. در یک جمع بندی کلی قدرت نرم را می توان چنین معنا کرد: توانایی نفوذ در قلبها و اذهان مخاطبان و تحت سلطه قرار دادن آنها به گونه ای مسالمت آمیز و بدون خشونت. این قدرت عمدتاً از ابزار فرهنگی و اجتماعی و بویژه دینی کمک می گیرد و بر سیاست و اقتصاد جامعه هدف، تأثیر می گذارد. توانایی تحت تأثیر قراردادن اولویت های دیگران

به شدت مبتنی بر ایجاد سرمایه‌های محسوس ملی مانند وجود شخصیت‌های جذاب و محبوب، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، نهادها و سیاست‌هایی است که از دید مردمان سایر کشورها مشروع یا دارای اقتدار معنوی دیده شوند. (دلیرپور، ۱۳۹۱: ص ۴۶)

درباره منابع قدرت نرم باید توجه داشت که این منابع با توجه به گفتمان حاکم بر فضای مفهومی ایده قدرت نرم، از منابع قدرت سخت کاملاً متمایز است. هرچند که منابع قدرت سخت و قدرت نرم می‌توانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند. اما منابع قدرت نرم عمدتاً به امور اخلاقی و فرهنگی معطوف است. در واقع جنبه‌های غیرمادی قدرت در این زمینه اهمیت قابل توجهی دارند و در این میان باورها و ارزشهای دینی و الهی بویژه موضوع مهم ایمان به خداوند، بسیار برجسته هستند. (اسکندری و دارابکلایی، ۱۳۹۱: صفحات ۲۶۰-۲۵۷) حتی نای، که نظریه پرداز نئولیبرال محسوب می‌شود نیز در این زمینه معتقد است ارزشهای اخلاقی و فرهنگی منابع اصلی قدرت نرم محسوب می‌شوند. هر چند او معتقد است گاهی قدرت اقتصادی و نظامی نیز در مواردی خاص می‌توانند به عنوان منبع قدرت نرم و عاملی برای آن در نظر گرفته شوند. (نای، ۱۳۹۳: ص ۱۲۵) اما محوریت اصلی در این زمینه با امور فرهنگی و ارزشی است. نای در این زمینه تأکید می‌کند: «قدرت نرم هر کشور در سه منبع بنیادین ریشه دارد: فرهنگ (در نقاطی که برای دیگران نیز گیرا باشد) ارزشهای سیاسی (چنانچه خود در درون و بیرون به آن‌ها وفادار باشد) و سیاست خارجی (چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند)». (نای، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳) برخی از محققان، مهم‌ترین منابع قدرت نرم را شامل موارد ذیل در نظر می‌گیرند: فرهنگ، سرمایه اجتماعی، مشروعیت، دیپلماسی عمومی، اطلاعات، دین و ایدئولوژی، رهبران ایدئولوژیک، روحیه و خصائص ملی، و درنهایت دانش و فناوری. (قهرمانپور، ۱۳۹۳: ص ۲۲)

با این وجود، موارد ذکر شده، عمدتاً در رویکردی سیاسی به قدرت نرم مطرح می‌شود. به این معنا که قدرت نرم را در سطح یک دولت ملی در مقایسه با دولت‌های ملی دیگر در نظر می‌گیرد. به همین دلیل است که خصائص ملی یا رهبری به عنوان منابع قدرت نرم مطرح می‌شوند. باید توجه داشت قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت صرفاً در اختیار دولت‌ها نیست. شرکت‌ها، نهادها، سازمان‌ها و حتی افراد نیز می‌توانند از

قدرت نرم برخوردار باشند و مخاطبان خود را تحت تاثیر قرار دهند. (نای، ۱۳۹۲: ص ۱۲۱) مثلاً یک فرد می تواند با مطلوب و دلپذیر خلوه دادن ایده ها، افکار و خواسته های خود و تبلیغ آنها، قدرت نرم خود را در تاثیر گذاری بر مخاطبان نشان دهد. در هر حال از میان مواردی که به عنوان منابع قدرت نرم مطرح شد، مقوله فرهنگ، ارزشهای فرهنگی، دانش و بویژه ارزشهای دینی به دلیل دارا بودن جنبه های غیرمادی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. یکی از مهم ترین منابع قدرت نرم، فرهنگ و اصول فرهنگی حاکم بر یک جامعه است. به طور کلی فرهنگ به مجموعه ای از دانش ها، اعتقادات، ارزش ها و هنجارها، طرز تلقی ها، آداب و رسوم مختلف اطلاق می شود که به صورت- آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می شود. (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ص ۲۹۶) در عرصه فرهنگ مقولاتی مانند هنر، رسانه، دانش و ورزش مطرح می شود. یکی از عوامل مهم فرهنگی، ایدئولوژی و مذهب یک جامعه است که می تواند دیگر جوامع را جذب کند و بر نخبگان و مردم آن جامعه تاثیر گذارد. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ص ۳۹)

ارزشهای دینی بویژه برای جوامعی که از فرهنگ دینی برخوردار هستند به عنوان یکی از خصائص و ویژگیهای مشترک آن جوامع محسوب می شود از اهمیت بیشتری برخوردار است. نکته دیگر آن است که منابع قدرت با توجه به شرایط مکانی و زمانی، می تواند متغیر و در حال تغییر باشد اما ارزشها و هنجارهای فرهنگی، ارزشهای سیاسی، صلاحیت در تعیین دستور کار، مهارت های ارتباطی و توانایی کسب توافق از جمله مهمترین مولفه های قدرت نرم هستند. (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ص ۱۷۲) بر این اساس در شرایط کنونی دسترسی و توانایی در اختیار داشتن شبکه های اجتماعی از جمله ابزارهای قدرت نرم محسوب می شود. برخی از محققان، با توجه به ماهیت اساسی قدرت نرم که مبتنی بر جنبه های غیرمادی قدرت است عرصه ها و جنبه های گسترده تری را برای قدرت نرم در نظر گرفته اند. به عنوان نمونه، ایگز معتقد است قدرت نرم پنج عنصر و مولفه اصلی دارد: عنصر روان شناختی، عنصر اجتماعی، عنصر سیاسی، عنصر فرهنگی و عنصر علمی. توجه به عناصر روان شناختی و علمی در مولفه های ذکر شده را می توان نوعی پیشرفت در زمینه بحث های نظری قدرت نرم دانست. (الیاسی، ۱۳۸۸: ص ۳۶) بر این اساس، در یک برداشت کلی می توان عرصه های سیاست فرهنگ

و اجتماع را از مهمترین عرصه هایی دانست که قدرت نرم قابلیت طرح و اثرگذاری دارد.

## ۲) شهادت سردار سلیمانی و ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی

طبق آنچه که در بخش چهارچوب نظری بیان شد، قدرت نرم را می توان به صورت خلاصه، تحت تاثیر قرار دادن افکار و اعمال مخاطبان و نفوذ در آنها به صورت مسالمت آمیز، بدون بکارگیری خشونت و زور، از طریق اقناع و مطلوبیت در نظر گرفت. همچنین قدرت نرم در عرصه های مختلفی قابل طرح و تبیین است. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، بر عرصه های سیاسی، اجتماعی و همچنین سیاست خارجی تاکید می شود. بر این اساس، به بررسی تاثیرات شهادت سردار سلیمانی از منظر قدرت نرم جمهوری اسلامی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و سیاست خارجی پرداخته خواهد شد.

### ۲-۱) شهادت سردار سلیمانی و ارتقاء مشروعیت سیاسی

یکی از عرصه هایی که نقش برجسته ای در تولید و بسط قدرت نرم دارد عرصه سیاست است. تقریباً همه محققان قدرت نرم، سیاست را یکی از مولفه های قدرت نرم می دانند. ( نای، ۱۳۹۲؛ قهرمانپور، ۱۳۹۳؛ دلیرپور، ۱۳۹۱؛ افتخاری و جانی پور، ۱۳۹۲؛ مهدوی و نادری، ۱۳۹۰؛ الیاسی ۱۳۸۸ ) در این زمینه، سیاست و ارزشهای سیاسی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین المللی می تواند مولفه های قدرت نرم باشند. نای به عنوان یکی از مهمترین نظریه پردازان قدرت نرم به سه عرصه مهم توجه می کند. نای در این زمینه تاکید می کند: «قدرت نرم هر کشور در سه منبع بنیادین ریشه دارد: فرهنگ ( در نقاطی که برای دیگران نیز گیرا باشد) ارزشهای سیاسی ( چنانچه خود در درون و بیرون به آن ها وفادار باشد) و سیاست خارجی ( چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند.)» ( نای، ۱۳۹۳: ص ۱۲۳) قدرت سیاسی به هر میزان که واجد مشروعیت باشد اعمال آن کم هزینه تر است ( قهرمانپور، ۱۳۹۳: ص ۲۵) و نظام سیاسی در عملیاتی کردن برنامه ها و تنظیمات سیاسی خویش در عرصه داخلی و به نمایش گذاشتن چهره ای مطلوب از خود در عرصه خارجی با موانع بسیار کمتری مواجه است. قدرت سیاسی مشروع، قدرتی است که از سوی اعضاء جامعه پذیرفته شده و



اعضاء جامعه وجود آن و اعمال آن را در راستای ارزشها، اولویت ها و منافع جاری خود ارزیابی می کنند. در واقع در عرصه سیاست، میزان مشروعیت سیاسی نظام حاکم و برخورداری از حمایت قشرهای مختلف مردم از مولفه های برجسته در موضوع قدرت نرم است. (الیاسی، ۱۳۸۸: ص ۳۸)

بر این اساس مشروع بودن یک نظام سیاسی، به این معنا که اعضاء اجتماع سیاسی، دولت و نظام سیاسی حاکم را به عنوان قدرتی مقبول بپذیرند، یکی از مهمترین عوامل برخورداری آن نظام سیاسی از قدرت نرم است. شاید بتوان گفت محوری ترین موضوع برای بهره گیری از قدرت نرم که می تواند منشاء تولید قدرت نرم در عرصه های دیگر نیز باشد مشروعیت سیاسی است. وقتی اعضاء اجتماع سیاسی، قدرت حاکم را مشروع بدانند این بدان معناست که قدرت حاکم در پیگیری اهداف بنیادین خود در عرصه داخلی و حتی خارجی از مزایا و حمایت های بسیار مهمی برخوردار است که عمدتاً از جنس غیرمادی و در واقع از جنس قدرت نرم است. علاوه بر این، حمایت تابعان هر نظام سیاسی از قدرت سیاسی حاکم، در جذاب بودن نظام سیاسی و ارزشهای سیاسی مورد قبول آن در نزد اجتماعات سیاسی دیگر نیز بسیار موثر است و از این منظر نیز تولید کننده قدرت نرم محسوب می شود.

ترور سردار سلیمانی، که ذیل مفهوم شهادت قابل طرح و تبیین است، موجب تولید قدرت فزاینده برای نظام اسلامی شد. اگر هدف دشمن از ترور ایشان و همچنین آنچه که بعد از شهادت در سطح داخلی و ملی در ایران اتفاق افتاد را مورد بررسی قرار دهیم، جنبه قدرت افزایی شهادت سردار سلیمانی، نمایان خواهد شد. اولین پدیده، تشییع بسیار وسیع و با شکوه در سراسر کشور بود که اتفاق افتاد. طبق اعلام سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه پاسداران تعداد شرکت کنندگان در تشییع سردار شهید سلیمانی در پنج شهر اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان، بیست و پنج میلیون نفر بوده است. (۲۴) دیماه ۱۳۹۸ خبرگزاری فارس). اگر راهپیمایی های بسیار گسترده ای نیز در اکثریت قریب به اتفاق شهرهای بزرگ و کوچک ایران در سراسر کشور از زمان شهادت ایشان در روز جمعه سیزدهم دی ماه تا حدود یک هفته بعد را در نظر بگیریم شماره شرکت کنندگان در تشییع و بزرگ داشت سردار شهید در سراسر کشور به بیش از پنجاه

میلیون خواهد رسید. هرچند در این زمینه آمار دقیقی از سوی مراجع رسمی ارائه نشده است اما در بسیاری از شهرهای شمار شرکت کنندگان در تظاهرات بزرگداشت ایشان و محکوم کردن اقدام دولت ایالات متحده آمریکا به حدی بود که طبق گفته منابع رسانه ای و برخی مشاهدات عینی، این شهرها تاکنون شاهد چنین اجتماعاتی به لحاظ گستردگی شرکت کنندگان نبوده اند. بدون تردید تشییع دهها میلیونی سردار سلیمانی در ایران بزرگ ترین تشییع و بدرقه یک رهبر و فرمانده در طول تاریخ بوده است. (هاشمی، ۱۴۰۱: ص ۱۸۵) حضور گسترده و متراکم مردم از اقشار و طبقات مختلف در تشییع سردار سلیمانی نشان دهنده مقبولیت ارزشها و آرمانهایی است که ایشان برای تحقق آنها تلاش و مجاهده کرده است. طبیعتاً میان این ارزشها و آنچه که نظام جمهوری اسلامی در تلاش برای تحقق آنهاست و آنها را به عنوان آرمانهای مشروع و مطلوب مورد نظر دارد هماهنگی و انسجام وجود دارد. بر این اساس، آنچه که در تشییع ایشان اتفاق افتاد، نشان دهنده آن بود که جمهوری اسلامی برای اکثریت قاطع مردم ایران یک نظام مقبول و مورد حمایت است. و این مقبولیت و حمایت تا آنجاست که دهها میلیون از اعضای آن حاضر هستند با وجود مشقت و سختی، در تشییع ایشان به صورت پرشور حاضر شوند و از شخصیتی که در راستای اهداف و سیاست های نظام اسلامی بویژه اهداف منطقه ای و بین المللی آن درباره موضوع فلسطین، مبارزه با استکبار جهانی بویژه ایالات متحده و دخالت های نظام سلطه در حیات سیاسی اجتماعی کشورهای اسلامی و بویژه منطقه غرب آسیا پی گیری می کند را مورد حمایت و تایید قرار دهند.

این مساله در حالی بود که در ساعات و روزهای اولیه ترور سردار سلیمانی، عاملان ترور و دستگاههای رسانه ای وابسته به آنها، در سطح منطقه ای و بین المللی تلاش کردند ایشان را به عنوان یک تروریست به افکار عمومی جهان معرفی کنند. در واقع دولت آمریکا به عنوان طراح و مجری ترور و همچنین متحدان اروپایی آنها با همراهی رسانه های بین المللی خود سعی کردند، این اقدام را به عنوان برگ برنده ای در جهت مبارزه با تروریسم در منطقه غرب آسیا نمایش دهند و از این طریق در تحولات منطقه ای و جهانی تاثیر گذار شوند. طبق تحقیقات صورت گرفته، بازنمایی شهادت سردار سلیمانی در فضای رسانه ای و شبکه های مجازی، حاکی از تلاش نظام سلطه برای

وارونه سازی واقعیت و حقیقت گفتمان مقاومت اسلامی و نماد اصلی آن یعنی سردار سلیمانی بود تا از این طریق، اثرگذاری خود را ارتقاء داده و تحولات میدانی را به سمت مسیر دلخواه خود تغییر دهد. (نادری و گویا، ۱۴۰۲: صص ۲۵۷-۲۵۸) در این میان، بویژه دولتمردان آمریکایی، پس از ترور سردار سلیمانی، در فضای رسانه ای و مجازی تلاش کردند جامعه آمریکایی را توجیه و با اقدام ضدبشری خود همسو کنند. در این زمینه از روش های اقناع، تکرار، تهدید، تهمت، بزرگ نمایی و کوچک نمایی آنهم با هدف وارونه نشان دادن واقعیت ترور سردار سلیمانی استفاده شد. در این زمینه با توجه انحصار رسانه ای بویژه در ارتباط با افکار عمومی داخلی جامعه آمریکا، دولت ترامپ توانست موفقیت لازم را در جهت تحت تاثیر قرار دادن و همسو کردن بدست آورد. با این وجود، طراحان و آمران ترور سردار سلیمانی در زمینه جهت دهی و همسو کردن افکار عمومی ایران و حتی منطقه با اقدام خود، موفقیت چندانی بدست نیاوردند. هرچند در این زمینه رسانه ها و شبکه های فارسی زبان غربی و مدافع نظام سلطه تلاش زیادی برای اثر گذاری انجام دادند. عدم موفقیت جریان سلطه در مخدوش کردن گفتمان مقاومت اسلامی و چهره برجسته آن یعنی سردار سلیمانی عمدتا به دلیل اشتراک هویتی جامعه ایران با ارزشها و هنجارهایی بود که سردار سلیمانی در جهت تحقق آنها سالهای طولانی تلاش و مجاهدت کرده بود. (نادری و گویا، ۱۴۰۲: صص ۲۷۹-۲۸۰)

نشانه عدم موفقیت جنگ نرم محور غربی علیه جریان مقاومت اسلامی، آن بود که میلیونها نفر از ایرانیان در مراسم تشییع سردار سلیمانی شرکت کردند. در صورت همراهی مردم ایران با طراحی نرم و فرهنگی صورت گرفته توسط نظام سلطه و نظریه پردازان جنگ نرم ایالات متحده، نباید بزرگترین بزرگداشت و تشییع در طول تاریخ در جامعه ایرانی اتفاق می افتاد. در واقع شهادت سردار سلیمانی و بزرگداشت او توسط اکثریت ایرانیان نشان داد که میان ارزشهای جبهه مقاومت اسلامی و ارزشها و هنجارهای مورد قبول جامعه ایران، اشتراک و همدلی بسیار بالایی وجود دارد. در نتیجه می توان گفت تشییع سردار شهید سلیمانی عملا به یک نمایش قدرت برای طرفداران و حامیان نظام اسلامی که اکثریت قاطع جامعه ایران را در بر می گرفت تبدیل شد. تشییع در واقع برگزاری یک همه پرسی پرشور و موفق برای اثبات مشروعیت نظام جمهوری اسلامی

در نزد ایرانیان بود. به عبارت دیگر مردم ایران، نه تنها با جنگ نرمی که رسانه های حامی نظام سلطه و مدافع استکبار جهانی علیه سردار سلیمانی بویژه پس از ترور ایشان به راه انداخته بودند همراهی نکردند بلکه با حضور وسیع و متراکم خود در تشییع و بزرگداشت سردار سلیمانی، جنگ نرمی جدیدی را علیه نظام سلطه شکل دادند که به خوبی توانست به اهداف خود برسد و اقدام دولت آمریکا و اهدافی که در این زمینه دنبال می کرد را به ضد خود تبدیل کند و عرصه جنگ نرم را به نفع خود و ارزشهای اسلامی تغییر دهد. همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه تاکید کرده اند: «این تشییع و بعد بزرگداشت ها، ژنرالهای جنگ نرم استکبار را متحرک کرد ... این حرکت عظیم، آنها را شکست داد.» (۲۶ / ۹ / ۱۳۹۹) بر این اساس، می توان گفت شهادت سردار سلیمانی و تشییع باشکوه و میلیونی ایشان توسط مردم ایران دو تاثیر مهم داشت. اول آنکه جنگ نرم ایالات متحده به منظور مخدوش کردن چهره مقاومت اسلامی و رهبر برجسته آن، سردار سلیمانی و بی اعتبار کردن ارزشها و نگرشهایی که مقاومت اسلامی بر آن استوار بود را با شکست قطعی مواجه کرد. سردار سلیمانی تا پیش از شهادت در میان ایرانیان چندان شناخته شده نبود هرچند یک چهره برجسته و اثر گذار بود. اما افراد زیادی در داخل شناخت چندانی از ایشان نداشتند. شهرت منطقه ای و جهانی سردار سلیمانی، فراگیر نبود. اما پس از شهادت ایشان به یک چهره شناخته شده ملی و بین المللی تبدیل شد. و این مساله از نتایج برجسته شهادت سردار سلیمانی بود. ( غلامی، ۱۳۹۹: ص ۳۳) تاثیر دوم، نقش برجسته شهادت و تشییع سردار سلیمانی، در نمایش هماهنگی میان ارزشهای مورد تاکید نظام جمهوری اسلامی و ارزشهایی است که در نزد ایرانیان مقبول و مطلوب تلقی می شود. این همسانی که در تشییع و بزرگداشت سردار سلیمانی، به نمایش گذاشته شد، نشان دهنده میزان مشروعیت نظام اسلامی و ارزشهای مورد تاکید آن در جامعه ایران بود..

نکته دیگر در این زمینه آن است که در نتیجه شهادت سردار سلیمانی موضوع مهم شهادت و تکریم این ارزش فرهنگی - سیاسی دینی مورد توجه طبقات مختلف جامعه ایران قرار گرفت. شهادت به عنوان یک ارزش برجسته دینی و اسلامی هم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسیار برجسته ای داشت و هم در استمرار و حفاظت از آن

تأثیرات قابل توجه و بی بدیلی داشته است. توجه گسترده و تکریم دهها میلیونی از شهید سردار سلیمانی به معنای عمومی شدن و بسط این ارزش مهم در تابعان و اعضاء اجتماع سیاسی زیست بوم ایران است. در این زمینه نیز نظام جمهوری اسلامی با تقویت و ارتقاء یکی از شاخص های قدرت نرم مواجه است و آن مقبولیت ارزشهای سیاسی مورد تاکید و توجه آن است.

## ۲-۲) شهادت سردار سلیمانی و تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی

یکی از عرصه های مهم تقویت و بسط قدرت نرم، عرصه اجتماعی است. به عبارت دیگر عنصر اجتماعی یکی از مهمترین مولفه های قدرت نرم محسوب می شود که به تولید و ارتقاء قدرت نرم یک جامعه منجر می شود. همانگونه که ایکرز، از محققان قدرت نرم معتقد است در بحث عنصر اجتماعی، عواملی مانند «انسجام اجتماعی»، «دلبستگی ملی»، « هویت جمعی» و « سرمایه اجتماعی» از جمله عوامل برجسته محسوب می شوند. (الیاسی، ۱۳۸۸: ص ۳۷) جامعه ای که از انسجام اجتماعی بالاتری برخوردار باشد از قدرت تأثیر گذاری بیشتری در عرصه داخلی و خارجی برخوردار است زیرا بهتر می تواند اهداف و آرمانهای مورد توافق اعضاء خود را پی گیری و عملی کند. از سوی دیگر جامعه ای که اعضاء آن به گذشته تاریخی و فرهنگی خویش افتخار می کنند و همچنین به کشور و داشته های کشور خویش احترام و عشق بیشتری می ورزند، از قدرت نرم بالاتر و قابلیت اثرگذاری بیشتر بر دیگران در مقایسه با دیگر کشورهای که از عناصر بی بهره اند، برخوردار هستند. همچنین سرمایه اجتماعی از عوامل برجسته اجتماعی در بحث قدرت نرم محسوب می شود. (الیاسی، ۱۳۸۸: ص ۳۸)

سرمایه اجتماعی (social capital) طبق نظر برخی محققان نوعی قرارداد غیر رسمی محسوب می شود که افراد جامعه را ملزم می کند برای عملی کردن و تحقق اهداف کلان جامعه خود با یکدیگر همکاری کنند و موانع رسیدن به اهداف مورد توافق را از میان بردارند. در نتیجه سرمایه اجتماعی از جمله منابعی است که به تولید و افزایش قدرت نرم منجر خواهد شد. برخورداری اعضاء یک اجتماع سیاسی از شاخص های مختلف سرمایه اجتماعی موجب خواهد این اجتماع از جوامعی که چنین سرمایه ای را به لحاظ اجتماعی ندارند قدرتمندتر باشد. هر کشوری برای برخورداری از قدرت نرم،

باید بتواند با ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی، زمینه ضروری لازم برای حرکت در مسیر دستیابی به ارزشهای مورد نظر خود را فراهم کند. این اعتماد در دو سطح مردم - مردم و حاکمیت - مردم قابل تجلی و بازیابی است. (قهرمانپور، ۱۳۹۳: ص ۲۴) سرمایه اجتماعی نیز به نوبه خود از چند شاخص اصلی برخوردار است. آگاهی، اعتماد و مشارکت از جمله مهمترین شاخص های سرمایه اجتماعی محسوب می شوند که بسط و گسترش هریک از آنها می تواند به ارتقای قدرت نرم یک جامعه کمک کند. بر این اساس جامعه ای که مردم آن، آگاهی بالاتری دارند، به یکدیگر اعتماد بیشتری دارند و در امور اجتماعی و سیاسی کشور و جامعه خویش مشارکت بیشتری دارند دارای سرمایه اجتماعی بیشتری در مقایسه با دیگر جوامع و کشورها هستند (الیاسی، ۱۳۸۸: ص ۳۸) و در نتیجه از قدرت نرم بیشتر و بالاتری برخوردار هستند.

در عرصه اجتماعی، شهادت و تشییع سردار شهید سلیمانی بدون تردید به تقویت و ارتقاء بیشتر شاخص ها در این زمینه منجر شد. «انسجام اجتماعی» ایجاد شده در جامعه ایران در روزهای تشییع ایشان، به صورت کاملاً مشهودی، فراگیر، منسجم و وحدت آفرین بود. در واقع شهادت سردار سلیمانی وحدت ملی را برجسته کرد و موجب شد یک بیداری و بصیرت عمومی در جامعه فراگیرد شود. (موسوی، ۱۳۹۸: ۹۶) در تقریباً همه شهرها و حتی روستاهای کشور، اعضاء در این فعالیت اجتماعی مشترک که مورد توافق کامل بود حضور و مشارکت داشتند. این مشارکت هم آزادانه بود و هم با انگیزه بزرگداشت مجاهدت ها و تلاش های یک شخصیت اسلامی، بین المللی و ملی صورت می گرفت. شخصیتی که حاصل یک فرهنگ و یک تاریخ مشخص و مورد توافق محسوب می شد. شخصیتی که هم از جهان اسلام در مقابل تعدیات و تهاجم نظام سلطه دفاع کرده بود و هم از مرزهای ایران در مقابل جریان به شدت منحط و منحرف تکفیر حفاظت کرده بود. از سوی دیگر، هم شخصیت های اسلامی از سردار سلیمانی و تلاش های او حمایت کردند و هم شخصیت هایی که معمولاً و بیشتر بر ایران و ملیت ایرانی بدون توجه به عناصر مهم دیگر تاکید دارند به شیوه های مختلف شهادت سردار بزرگ اسلام و ایران را گرامی داشتند. «انسجام اجتماعی» ایجاد شده در

راهپیمایی های حمایت از سردار سلیمانی و تشییع ایشان را از نظر حجم، عمق و گستردگی، صرفاً با روزها و ماههای اول انقلاب اسلامی می توان مقایسه کرد. از منظر شاخص های «سرمایه اجتماعی» نیز شهادت سردار سلیمانی موجب شد اکثریت بسیار بالائی از اعضاء جامعه در راستای حمایت از اهداف کلان جامعه ایران با یکدیگر همکاری و مشارکت کنند. این اهداف کلان خارج از رقابت های حزبی و سیاسی معمول بود و صرفاً از طریق توجه به اهداف اصلی نظام اسلامی و انقلاب اسلامی قابل فهم و درک خواهد بود. در واقع شهادت سردار سلیمانی عرصه ای را فراهم کرد که قاطبه افراد جامعه ایران در یک موضوع اجتماعی و سیاسی مهم مشارکت بسیار گسترده ای از خود نشان دهند و هویت جمعی و مشترک خویش را به میزان بالایی نشان و تثبیت کنند. بر این اساس شهادت و بزرگداشت سردار سلیمانی، موجب شد ایشان به یک شخصیت مهم و برجسته ملی در نزد اکثریت ایرانیان تبدیل شود. (غلامی، ۱۳۹۹: ص ۳۳) بدین ترتیب زمینه تبدیل شدن سردار سلیمانی به قهرمان ملی ایرانیان فراهم شد. وجود قهرمانان ملی، از مبادی بسیار مهم قدرت نرم هستند که از عناصر وحدت آفرین و انسجام بخش در سطح اجتماعی برای هر ملتی محسوب می شوند. از سوی دیگر قهرمانان ملی از مولفه های مهم سرمایه اجتماعی هستند که می توانند در مواقع لازم انسجام و وحدت آفرینی خود را برای حفظ معیارها و خطوط اصلی حیات جمعی هر جامعه را تولید و ارتقاء بخشند.

ارتقاء قریب به اتفاق شاخص های اجتماعی قدرت نرم در جامعه ایران، در حالی که وقوع پیوسته که جامعه ایران تا قبل از شهادت سردار بزرگ مقاومت به علل مختلفی از نوعی اختلاف و چند دستگی رنج می برد. این عدم انسجام که عمدتاً علل اقتصادی و مدیریتی داشت برای پیشبرد اهداف کلان نظام اسلامی و جامعه نامناسب محسوب می شد و شهادت یک از عزیزترین و محبوب ترین شخصیت های جامعه ایران موجب شد جامعه به داشته های اساسی و عناصر وحدت آفرین خود توجه جدی و متراکمی نشان دهد. عناصر و عواملی که سردار شهید یکی از مهمترین مصادیق آن محسوب می شد.

### ۲-۳) شهادت سردار سلیمانی و ارتقاء سیاست خارجی منطقه ای

سیاست خارجی از عرصه های مهم ظهور قدرت نرم کشورها محسوب می شود. به لحاظ عنصری که در آنها، قدرت نرم امکان تولید و گسترش دارد، سیاست خارجی جزء عرصه سیاست محسوب می شود. با این وجود به لحاظ اهمیتی که سیاست خارجی در پیشبرد اهداف نظام های سیاسی و قدرت های حاکم دارد برخی محققان قدرت نرم، سیاست خارجی را به عنوان عرصه مستقل مورد مطالعه قرار می دهند. به عنوان نمونه جوزف نای سیاست خارجی را یکی از مهمترین محورهای قدرت نرم در نظر می گیرد؛ بویژه زمانی که، سیاست خارجی یک کشور توسط کشورهای دیگر مورد پذیرش قرار گیرد و مرجعیت اخلاقی اصول آن توسط آنها پذیرفته شود. (نای، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳) پی گیری اهداف سیاست خارجی از طریق ابرازهای مختلفی امکان پذیر است. در این میان در صورتیکه بازیگران سیاست خارجی از طریق ابرازهای مسالمت آمیز و اصطلاحاً غیرسخت، در پی تحقق اهداف سیاست خارجی یک کشور در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی باشند به ایده قدرت نرم نزدیک شده ایم. در نتیجه بهره گیری از دیپلماسی عمومی، توانایی در تعیین دستور کار، مهارت های ارتباطی، توانایی کسب توافق (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ص ۱۷۲) از جلوه های مهم قدرت نرم در عرصه سیاسی خارجی محسوب می شوند.

پس از ظهور داعش به عنوان تهدید امنیتی برای منطقه غرب آسیا، بویژه برای کشورهای سوریه و عراق، سپاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی توانست نقش ویژه ای در دفع و سرکوب این جریان ضد امنیتی ایفا کند. داعش، با وجود حمایت همه جانبه، نتوانست به اهداف خود علیه محور مقاومت اسلامی در منطقه بویژه در عراق و سوریه دست یابد. (نادری و گویا، ۱۴۰۲: ص ۲۸۱) در نتیجه موفقیت منطقه ای جریان مقاومت با نقش آفرینی سپاه قدس موجب شد گفتمان مقاومت اسلامی در نزد افکار عمومی جهان اسلام و بویژه کشورهای عربی، محبوبیت قابل توجهی بدست آورد. در این میان محور غربی/عبری و همچنین غرب گرایان منطقه فکر می کردند با شهادت سردار سلیمانی، محور مقاومت و ژئوپلیتیک اسلامی در منطقه تضعیف و شکست می خورد. از سوی دیگر، طراحی نظام سلطه از طریق رسانه ها و فضای مجازی، وارونه سازی واقعیت به منظور جهت دهی به افکار عمومی جهان اسلام بویژه جهان عرب را در



دستور کار خود قرار داد. هماگونه که برخی تحقیقات نشان می دهد، عامل ترور سرداران مقاومت بویژه سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، با در اختیار داشتن رسانه ها، شبکه های اجتماعی و بسترهای فناورانه، به جعل واقعیت و تحریف حقیقت گفتمان مقاومت اسلامی و نقش آن در مبارزه با داعش و گروههای تروریستی- تکفیری پرداختند و تلاش کردند شخصیت های محوری محور مقاومت در جهان اسلام را تهدیدی برای امنیت بویژه در منطقه غرب آسیا نشان دهند. با این وجود، افکار عمومی جهان اسلام، خصوصا کشورهای عربی، با توجه به موفقیت های جریان مقاومت، علی رغم طراحی جنگ نرم دشمن، همچنان حامی جبهه مقاومت با محور سردار سلیمانی باقیماند و خیانت برخی دولتمردان و سیاستمداران کشورهای عربی نسبت به آرمانهای مقاومت نتوانست در این معادله مهم تغییری ایجاد کند. (نادری و گویا، ۱۴۰۲: صص ۲۸۱ - ۲۸۳) علاوه بر این، با شهادت فرماندهان مقاومت، اتحاد و همبستگی بیشتری نسبت به گذشته در میان ملت های منطقه بویژه نیروهای فعال محور مقاومت و حامیان مردمی آنها در کشورهای مختلف افزایش یافت. (نوروزی و مرندي، ۱۳۹۸: ۷۳) بر اساس اعلام نشریه آمریکایی نشنال انترست، ترور سردار سلیمانی، موجب تقویت محور مقاومت در منطقه و همچنین وحدت نیروهای مقاومت شد. (هاشمی، ۱۴۰۱: ص ۱۸۴).

شهادت سردار سلیمانی و پیامدهای خارجی آن بویژه پیامدهای منطقه ای آن برای جمهوری اسلامی ایران از جنبه های متعددی داری اهمیت بوده است. پس از شهادت ایشان، بیشتر مسئولان ارشد کشورهای منطقه به حمایت از جمهوری اسلامی و محکوم کردن اقدام تروریستی ایالات متحده امریکا پرداختند. علاوه بر این در بیشتر کشورهای منطقه شامل پاکستان، هند، بحرین، یمن، سوریه، لبنان، فلسطین، ترکیه و بویژه عراق تظاهرات مردمی گسترده و در مواردی بی سابقه ای در حمایت از سردار شهید سلیمانی و محکوم کردن ایالات متحده و بویژه رئیس جمهور آن برگزار شد. مردم کشمیر و شهرهای مختلف پاکستان در پی شهادت سردار سلیمانی تظاهرات برگزار کردند. (۱۳دی ۹۸خبرگزاری تسنیم) مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی در لبنان و سوریه و پاکستان برگزار شد. (۱۵دی ۹۸خبرگزاری صدا و سیما) مردم بحرین در اعتراض به ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس توسط آمریکا تظاهرات برگزار کردند. (خبرگزاری

رسمی حوزه ۱۴دی ۹۸). مردم یمن نیز در محکومیت ترور سردار سلیمانی تظاهرات گسترده ای برگزار کردند. پیکر مطهر شهدای مقاومت با حضور گسترده و بی سابقه مردم در کربلا و نجف تشییع شد (خبرگزاری صداوسیما ۱۴دی ۹۸) در تشییع شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس در بغداد عادل عبدالمهدی نخست وزیر، شیخ همام حمودی رئیس مجلس اعلاى اسلامی عراق، نوری عبدالمالکی رئیس ائتلاف دولت قانون، سیدعمار حکیم رئیس جریان حکمت ملی، حسن الکعبی، هادی العامری فرمانده سازمان بدر حضور داشتند. به نقل از پایگاه خبری المعلومه این تشییع به تظاهرات ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی تبدیل شد (خبرگزاری فارس ۱۴دی ۹۸) بویژه همزمانی شهادت سرداران مقاومت ایران و عراق، موجب تعمیق و وحدت نیروها و جریانهای انقلابی در این دو کشور شد. علاوه بر این، شهادت سردار سلیمانی باعث شد همبستگی مجاهدان لبنان، سوریه، افغانستان و پاکستان با نیروهایی که در ایران و عراق علیه سیاست های سلطه جویانه امریکا در منطقه مبارزه می کردند، افزایش یابد. (موسوی، ۱۳۹۸: ص ۹۷)

حمایت گسترده منطقه ای از سردار سلیمانی و نقش بی بدیل او در حفظ ثبات و امنیت منطقه غرب آسیا، به معنای تایید سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این منطقه بود. سیاستی که اهداف آن مبارزه علیه اسرائیل تا از بین رفتن کامل این رژیم جعلی، مخالفت با حضور نیروهای نظامی خارجی بویژه نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه، مبارزه علیه تکفیر و گروههای سلفی- تکفیری به عنوان نیروهای ضد وحدت و عمل کننده در راستای منافع نظام سلطه، مبارزه با دخالت قدرت های فرامنطقه ای در تحولات منطقه و پی گیری سیاست مستقل از غرب و مبارزه نظام سلطه است. در مرکز فعالیت ها و اقدامات سردار سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس، مبارزه با اسرائیل و همچنین جریانهای تکفیری قرار داشت. حمایتهای گسترده از ایشان که در پایتخت های کشورهای منطقه و حتی دیگر شهرهای مهم کشورهای منطقه صورت گرفت به معنای تایید اهداف سیاست خارجی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بود. شاید بتوان گفت نقطه اوج و با اهمیت ارتقاء سیاست خارجی منطقه ای جمهوری اسلامی، تصویب طرح اخراج نیروهای نظامی آمریکایی از کشور عراق توسط پارلمان این کشور بود. این موضوع بسیار مهم در حالی اتفاق افتاد که تا پیش از این نه تنها امکان تصویب چنین

طرحی در پارلمان عراق جود نداشت بلکه کشور عراق طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر با اعتراضات داخلی گسترده علیه دولت حاکم روبرو بود و این اعتراضات توسط نیروهای خارجی بویژه ایالات متحده تقویت و جهت دهی می‌شد. در چنین شرایطی پارلمان عراق با اکثریت آرا طرح اخراج نظامیان آمریکا از خاک این کشور را تصویب کرد و نخست وزیر عراق در دیدار سفیر آمریکا ضرورت خروج نظامیان بیگانه از عراق را به وی ابلاغ کرد (۱۶ دی ۹۸ خبرگزاری تسنیم) مقتدی صدر رهبر جریان صدر نیز خواستار تعطیلی سفارت آمریکا در بغداد، خروج نظامیان آمریکا از این عراق و لغو توافق امنیتی عراق با ایالات متحده شد. (۱۵ دی ۹۸ باشگاه خبرنگاران جوان) در این میان وحدتی که در میان گروه‌های شیعه عراق در نتیجه شهادت سردار سلیمانی و همچنین مجاهد بزرگ شهید ابومهدی المهندس جانشین حشد الشعبی عراق بوجود آمد کاملاً برجسته و از عوامل انسجام بخشی بود که مقدمه اصلی تصویب طرح اخراج نیروهای نظامی آمریکا از عراق را فراهم کرد.

بر این اساس، پس از شهادت سردار سلیمانی، محور مقاومت در منطقه به نتایج بسیار با اهمیتی دست یافت. نمایش اتحاد منطقه‌ای علیه اقدام تروریستی از یک سو و تصمیم اتخاذ شده از سوی محور مقاومت برای بیرون کردن نظام سلطه به رهبری ایالات متحده از منطقه غرب آسیا نشان دهنده فروپاشی هژمونی مورد ادعای آمریکا در منطقه بود. از سوی دیگر، شهادت سردار سلیمانی، جریان مقاومت اسلامی را از مرحله تثبیت عبور داد و آن را وارد مرحله توسعه قدرت و گسترش آن کرد. در گفت‌وگوهای تثبیت، عناصری مانند مقاومت، دفاع و گسترش حوزه امنیت مهم می‌باشند. در حالیکه در گفت‌وگوهای توسعه قدرت، عناصری مانند حمله، اتحاد و هژمونی قدرت دارای اهمیت هستند. (نوروزی و مرندی، ۱۳۹۸: ۷۳) گستردگی حمایت از سیاست خارجی پایدار و اصیل جمهوری اسلامی که در نتیجه شهادت سردار سلیمانی ایجاد شد، تا آنجا بود که رهبر معظم انقلاب، روز تشییع ایشان را یوم الله معرفی کردند. (خانی و محمدی، ۱۳۹۹: ص ۲۱) رهبری انقلاب در خطبه نماز جمعه بعد از شهادت ایشان تاکید کردند: «روزی که ده‌ها میلیون در ایران و صدها هزار نفر در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابان آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه جهان را شکل دادند. این

یکی از ایام الله است. (رهبر معظم انقلاب: ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۹۸) این دستاوردها نشان دهنده مقبولیت اصول اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و بویژه در کشورهای محور مقاومت توسط افکار عمومی این کشورها بود که در نتیجه شهادت سردار سلیمانی بدست آمد.

### نتیجه گیری

شهادت سردار سلیمانی که در نتیجه آن بزرگ ترین تشییع تاریخ بشریت شکل گرفت از منظرهای مختلفی برای اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی، حقوقدانان و محققان روابط بین الملل قابل مطالعه و پژوهش است. در نوشتار حاضر به یک موضوع خاص یعنی تاثیر شهادت سردار سلیمانی در تقویت و ارتقاء مولفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی پراخته شد. از منظر قدرت نرم، تاثیرات شهادت سردار سلیمانی در عرصه سیاست داخلی، عرصه اجتماعی و همچنین عرصه سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفت. در عرصه سیاسی، شهادت سردار سلیمانی از منظر اثبات و نشان دادن مشروعیت سیاسی نظام اسلامی و بسط ارزشهای سیاسی مورد نظر آن بویژه ارزش دینی سیاسی شهادت، مولفه ای کاملاً تاثیرگذار بود. در واقع، شهادت و تشییع سردار سلیمانی، نشان دهنده و ارتقاء دهنده هماهنگی میان ارزشهای مورد تاکید نظام جمهوری اسلامی و ارزشهایی بود که در نزد ایرانیان مقبول و مطلوب تلقی می شود. این همسانی میزان مشروعیت جمهوری اسلامی در نزد اکثریت قاطع جامعه ایران را به نمایش گذاشت. از لحاظ اجتماعی نیز شهادت سردار سلیمانی دو عنصر مهم در عناصر اجتماعی قدرت نرم را به شکل کاملاً معناداری ارتقاء بخشید. «انسجام اجتماعی» ایجاد شده در ایران به واسطه شهادت سردار سلیمانی مشهود و فراگیر بود. از جهت «سرمایه اجتماعی»، نیز شهادت سردار سلیمانی موجب شد بیشتر ایرانیان در راستای حمایت از اهداف کلان جامعه با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته باشند. و بدین ترتیب زمینه تبدیل شدن سردار سلیمانی به قهرمان ملی ایرانیان فراهم شد. از سوی دیگر، به لحاظ منطقه ای، ترور سردار سلیمانی با هدف شکست محور مقاومت و ژئوپلتیک اسلامی،

طراحی و اجرا شد. و با بازنمایی خلاف واقع از سوی رسانه‌ها و زیرساخت‌های فناورآورانه‌ای که در اختیار نظام سلطه قرار داشت، این اقدام تروریستی و ضد امنیتی، به عنوان تلاشی برای ایجاد امنیت و مبارزه با تروریسم نشان داده شد. اما آنچه در نتیجه شهادت سردار سلیمانی تحقق یافت، وحدت‌گفتمان مقاومت اسلامی از یک سو و توسعه آن از مرحله تثبیت به مرحله گسترش قدرت بود. در واقع شهادت سردار سلیمانی، اتحاد و همبستگی ملت‌های منطقه بویژه نیروهای فعال در محور مقاومت را افزایش داد. این امر به نوبه خود نشان‌دهنده مقبولیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی و پذیرش مرجعیت اخلاقی اهداف آن در منطقه غرب آسیا بود. پذیرش این اهداف که شامل مبارزه با رژیم جعلی اسرائیل، مخالفت با حضور نظامی نیروهای خارجی و مبارزه علیه گروه‌های تکفیری - تروریستی در منطقه بود از طریق حمایت افکار عمومی کشورهای منطقه و ملت‌های مسلمان و نیروهای فعال در محور مقاومت اسلامی حاصل شد و در این میان شهادت سردار سلیمانی نقطه عطفی در نمایش و ارتقاء این موضوع بود.

## منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. آرکلگ، استوارت. (۱۳۷۹). چهارچوب‌های قدرت. (م، یونسی. مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. اول: ۱۳۷۹.
۳. اسکندری، محمد حسین؛ دارابکلایی، اسماعیل. (۱۳۹۱). پژوهشی در موضوع قدرت: انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. دوم.
۴. الیاسی، محمد حسین. (۱۳۸۸). "ماهیت و عناصر قدرت نرم." فصلنامه پلیس پایتخت. سال دوم، شماره ۴ و ۵.
۵. بینهام، دیوید. (۱۳۹۰). مشروع سازی قدرت. (م، عابدی اردکانی. مترجم). یزد: دانشگاه یزد.
۶. پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب.

۷. دلیرپور، پرویز. "زوال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا." دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم. شماره ۷: ۱۳۹۱.
۸. ذاکر، آرمان. (۱۳۹۸). "تحلیل گفتمان خطبه های نماز جمعه مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۹۸ پس از شهادت سردار سلیمانی." فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه. سال ۸، شماره ۲۸، ۱۳۹۹.
۹. خانی، علی؛ محمدی، حمید رضا. (۱۳۹۹). "بازشناسی مولفه های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)." فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. سال بیست و سوم، شماره ۸۶، بهار ۱۳۹۹.
۱۰. قهرمانپور، عسگر. (۱۳۹۳). دانش نامه قدرت نرم. چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. غلامی، نجفعلی. (۱۳۹۹). "تحلیل امنیت در مکتب سلیمانی." فصلنامه حکمرانی متعالی. دوره ۱، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۹، صص ۳۳-۴۸.
۱۲. گلشن پژوه، محمودرضا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. محمدی، منوچهر. (۱۳۹۳). دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه ای، جهانی و تاریخی. قم: نشر معارف.
۱۴. مهدوی، اصغر آقا؛ نادری باب اناری، مهدی. (۱۳۹۰). "کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکردی قرآنی." فصلنامه دانش سیاسی. سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۵. موسوی، سید محمد. (۱۳۹۸). "مکتب شهید حاج قاسم در دفاع از حریم اهل بیت." فصل نامه مطالعات بیداری اسلامی.
۱۶. نادری، مهدی؛ گویا، احمد. (۱۴۰۲). "بازنمایی جریان فکری و روند سیاسی حاکم بر توئیلماسی مقاومت اسلامی (با تاکید بر شهادت سردار سلیمانی)." دوفصلنامه علمی دانش سیاسی. سال نوزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۷)، صص ۲۵۷-۲۸۶.
۱۷. نای، جوزف. اس. (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات از واقع گرایی تا جهانی شدن. (س، میرترابی. مترجم). تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

۱۸. نای، جوزف. اس. (۱۳۹۲). *آینده قدرت*. (ا، عزیزی. مترجم). تهران: نشرنی.
۱۹. نبوی، سید عباس. (۱۳۸۸). *فلسفه قدرت*. تهران: سمت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ چهارم.
۲۰. نوروزی، مجتبی؛ مرندی، زهره. (۱۳۹۸). "نحول در گفت‌وگوهای قدرت محور مقاومت از تثبیت به توسعه با تاکید بر زنجیره هم ارزی هویت: قبل و بعد از شهادت سردار سلیمانی." *فصلنامه بیداری اسلامی*. شماره ۱۶.
۲۱. هاشمی، صدیقه سادات. (۱۴۰۱). "الگوی رهبری شهید سلیمانی؛ از فرماندهی مقاومت تا تشکیل مکتب سلیمانی." *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*. سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۴، صص ۱۶۳-۲۰۳.

22. Farsnews.ir

23. Khamenehi.ir

24. Tasnimnews.ir